



عکس: سانا ز صفائی / شهرآرا

روایتی از نوعی نذر در مناطق کم برخوردار مشهد
که به نیت امام هشتم (ع) انجام می‌شود

نذر آموزش در حاشیه شهر

شهر بانو

۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۳۴۹۶ | روزنامه شهرآرا

۱۴۰۰ ۰۷ ۱۲

۲شنبه

گره از کار فرو
بسته خود
بگشایند

تاریخ مشارکت فرهنگی توده زنان از
آیین‌های دینی آغاز شده است

طعم
شیرین
وقف

گفت‌وگو با بانو فرشته فرشیدی
واقف ۲ مدرسه در ناحیه ۴ مشهد



شهربانو

۲۷ مهر ۱۴۰۰
شماره ۳۹۶

(۲)

((فروغ))

تکنم جاوید

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

نگذارید تنهایی به روزمرگی بگذرد

و تنها شده‌هاست. از روزهای سوگ که گذریم، اوقات پس از آن با حالتی دورانی بین گریه و زاری و احساس شدید تنهایی متغیر است. تفاوت چندانی ندارد که متوفی وابسته خونی باشد یا غیرخونی. همین که صمیمیت را با او تجربه کرده باشیم، نبودنش احساس تنهایی شدیدی در ما ایجاد خواهد کرد. تجربه مداوم احساس تنهایی ویران کننده روان آدمی است که اجتماعی است و در اجتماع رشد می‌کند. ممکن است به تدریج حس درک نشدن از سوی دیگران باعث شود از آن‌ها فاصله بگیرید و به اصطلاح در پيله خود فروبروید درحالی که این روش آسیب‌زا خواهد شد. آسیب‌های جدی در حد ابتلا به اختلالات روانی جدی مانند افسردگی. به آن مشکلات جدی کاری ندارم زیرا تنها راه‌حلش درمان با کمک روان‌شناس است.

باید ارتباطات و تعاملات اجتماعی را افزایش بدهید البته با کسانی که در گذشته هم با آن‌ها حس بهتری داشته‌اید، نه فقط برای پرکردن ساعت‌های تنهایی، بلکه برای آرامش روح، تسکین غم‌ها و پرکردن اوقاتی که به فکرکردن به عزیزتان می‌گذرد. شاید داشتن یک خواهر همراه و صمیمی تا امروز باعث می‌شد همیشه از دوستانتان فاصله بگیرید. حالا زمان خوبی برای محکم شدن دوستی‌هاست. خطر ناامیدی هم به شدت شما را تهدید می‌کند. پس خیلی زود برای زندگی جدید برنامه بریزید، بر اساس آن رفتار کنید و نگذارید روزهای غم‌انگیز به روزمرگی بگذرند.

«همیشه با هم می‌رفتیم، آرایشگاه را هم. یا من وقت می‌گرفتم یا او. قرار بود بعد از ماه صفر بروند خانه خودشان. هنوز کلی خرید و کار باقی مانده بود که کرونا گرفت. از بدترشدن علائم تا بدحالی و فوتش ۲ هفته نشد. تا آمدم به خودمان بیاپییم تمام کرد. خواهر جوان و زیبایم رفت و مرا تنها گذاشت.»

«من بودم و یک مادر پیر. سال‌های سال بعد از سکنه مغزی و از کار افتادن پاهایش خودم مراقبش بودم. ازدواج نکردم که تا آخر عمرم کنارش بمانم ولی فکر نمی‌کردم مرا تنها بگذارد. می‌دانم که من برایش کرونا بردم از محل کارم، و خودم را نمی‌بخشم، اما حالا شب‌ها سخت می‌خوابم. گاهی اصلاً خواب ندارم تا روشن شدن هوا. احساس تنهایی می‌کنم، خیلی.»

کسی چه می‌داند چند نفر در این یک سال و نیم کرونایی تنها شدند یا با احساس تنهایی روبه‌رو شدند؟ خیلی‌ها. خیلی بیش از تعداد آدم‌هایی که هر سال تنها می‌شدند، و تنهایی احساس غریبی است که مانند یک غبار دور آدم‌ها را می‌گیرد و آن‌ها را از آدم‌های دیگر جدا می‌کند. آن‌ها که بیرون از غبارند و هوا را تنفس می‌کنند چه می‌دانند از سختی زنده ماندن در آن فضا؟

اگر حس تنهایی از دست دادن ناگهانی یک عزیز را تجربه کرده‌اید یا در اطرافیان‌تان می‌شناسید، می‌دانید که هم گفتن از چنین حالی دشوار است هم همدلی کردن. برای همدلی و تفاوت آن با هم‌دردی زمان دیگری سخن خواهیم گفت اما امروز روی صحبت‌ها با داغ دیده‌ها

(پرتو)

غلامرضا بنی‌اسدی

روزنامه‌نگار



زنان مشهد در مسیر زنان نوغان!

زن و امام رضا^(ع). شاید اولین تصویری که از این گزاره در ذهن می‌نشیند و به یادآوری تاریخ برمی‌خیزد همان حکایت زنان نوغان باشد که به تکرار تجربه زنان بنی‌اسد در کربلا، صفحه‌ای روشن از نقش اجتماعی زن مسلمان و باورمند به امامت را تحریر کردند. آنان به میدانی آمدند که مردها به ترس و محافظه‌کاری، از پای نهادن در آن‌ها داشتند اما زنان را به حرمت و اقتدار نام حضرت فاطمه زهرا^(س)

غیرتی در جان شده بود که بر زمین ماندن پیکر فرزند زهرا را تاب نمی‌آوردند. بی‌تابی آنان قرار از مردان هم ستاند تا بر تردید و ترس خود فائق آیند. در طول تاریخ هم چنین بوده است. پشت هر مرد مجاهد، یک زن مؤمن ایستاده است، تجربه‌ای که در دفاع مقدس نیز به شکوه‌ترین جلوه‌هایش را دیدیم. باری سخن از نسبت زن با امام رضا^(ع) است در این حوالی که در همه عصرها و در میان همه نسل‌ها هم تکرار می‌شود و در هر تکرار هم جلوه‌ای نو و جان‌بخش دارد. در زمان حاضر نیز این نقش برجسته و نمایان است. در دوران پیشاکرونا، همه به یاد داریم که زنان این دیار، روشنایی یافته از حضرت شمس‌الشموس^(ع) در کنار ایفای نقش معرفتی مادر و همسر، نقش اجتماعی خود را به عنوان تربیت‌شده این آستان مقدس، به خوبی ایفا می‌کردند. از خدمت سازمانی به زائران که «میهمانان آقا» می‌خواندند تا شهروندان مشهد که در شکوه مجاورت با خورشید، عنوان «مجاور» گرفته‌اند. این خدمت در لباس پزشک و پرستار، هتلدار، در جایگاه‌های اداری و تشکیلاتی و نهادی تا خدماتی در تنوع بود. به چشم هم می‌آمد این خدمت توأم با معرفت و محبت. آنچه در خانه‌ها اما اتفاق می‌افتاد را شاید کمتر می‌دیدیم اما گستره‌ای از ابراز محبت به حضرت سلطان بود که در روزهای منتسب به ایشان انجام می‌یافت. بانوان، خانه را کانون مهر و رافت می‌کردند تا به تفسیر جلوه‌ای از اسماء حسنا رضوی برسند. رؤف بودن امام، دل‌ها را به مهر افزون‌تر، جلا می‌داد و زنان علاوه بر نقش مادری و همسری و فرزند و خواهری، نسبت به اهل خانه در پذیرایی از میهمانان آقا در خانه‌های خود هم همتی مثال‌زدنی داشتند. از این منظر شاید بتوان مشهد را متفاوت‌ترین شهر ایران دانست که یک امتیاز ویژه برای زنانش رقم می‌خورد، آنان که زائران را ویژه تکریم می‌کنند و حتی اگر بی‌توجهی و تلخ‌کلامی هم ببینند، باز با این سخن که اینان «میهمانان آقا» هستند، نه تنها درمی‌گذرند که تلخی را به حلاوت تبدیل می‌کنند که خدمت در آستان مهر باید تلخی‌زدا باشد. در همین فصل کرونا نیز این نگاه در دیده و دل بانوان شهر امام رضا^(ع) هست و باز متناسب با شرایط، کار خود را می‌کنند. این درست که مثل سال‌های پیش، شاهد کاراوان‌های پیاده و انبوه زائران نیستیم اما همان‌ها که می‌آیند نیز صاحب خاطراتی خوش می‌شوند در شهر امام رضا^(ع). در کنار این، زنان خودنیمی از حکایت این روزها را رقم می‌زنند. خود هم عزادارند و هم به خدمت بارانی چشم‌های سوگوار امام خود، دستی به همت گشاده دارند. در خیابان‌های منتهی به حرم هم تا چشم کار می‌کند زنان را در کنار مردان می‌بینیم. سوگواری را معنایی معرفتی می‌شوند زنان و بسیارشان نیز با همه فرزندان به میدان می‌آیند تا بگویند مجلس عزای ارباب زهرچشیده ما دشمن‌شکن برگزار می‌شود. به جرئت می‌توان گفت که در هیمنه حرکت زنان به سمت حرم می‌توان حرکت تاریخی زنان نوغان را دید که هر سال حدیث می‌شود.





عکس: تانژینی است

گره از کار فرو بسته خود بگشایند

تاریخ مشارکت فرهنگی توده زنان ایرانی از آیین های دینی آغاز شده است

کرونا بر همه ابعاد زندگی اجتماعی تأثیر گذاشته است. این را در تجربه های روزمره همگان می توان به وضوح مشاهده کرد از جمله بر فرایند زندگی روزمره زنان که در دسترس ترین مثال آن ایجاد تغییر در چگونگی برپایی مراسم آیینی دینی زنانه است. در سال های پیش از کرونا، روز به جای آوردن نذر، زنان گرد هم می آمدند و در طبع نذری مشارکت می کردند یا در روضه خوانی های دهه های محرم و صفر مشارکت فعال داشتند. قرآن خوانی های دوره ای برگزار می کردند و ضمن برپایی آیین های مذهبی، فرصت فعالیت اجتماعی در قالب مجالس آیینی را نیز فراهم می آوردند. اما در مدت ۲ سال اخیر، به واسطه مخاطره آمیز بودن تجمع ها، برپایی آیین ها توسط زنان شمایل دیگری یافته است اما همچنان به قوت خود باقی است. تاکنون از خود پرسیده اید چگونه تشکلهایی این چنین در فراز و نشیب تاریخ اجتماعی دوام آورده اند و قوی تر و گسترده تر شده اند؟ چگونه زنان با هر هویت و جهان بینی ای که دارند، در امر متوسل شدن و مشارکت در آیین های دینی با یکدیگر همراه می شوند؟ چگونه تحت هر شرایطی به موعد مراسم هایشان که می رسند، پلاکاردهای: «بفرمایید روضه»، «انجمن متوسلین به چهارده معصوم» و غیره را برپا می دارند و دیگرهای آتش و شله زرد و دیکچه و شربت زعفرانشان را برپا می دارند و گرد هم می آیند تا نذرشان را ادا کنند یا گره از کار فرو بسته ای بگشایند؟

زنان در تشکلهای مذهبی رو به رشد هستند

زنان تشکلهای مذهبی را به حوزه ای برای مراودات اجتماعی خود تبدیل کرده اند. در ماهیت امر نیز آیین های دینی کارکردی دوسویه دارند: از یک سو متوسل شدن به نیروی نامتناهی الهی و از سوی دیگر حفظ انسجام گروهی. تشکلهای زنان نیز از این امر مستثنا نیستند. آیین های مذهبی پل ارتباطی میان زنان با شخصیت های متفاوت و رویکردهای متنوعی است که تحت پرچم توسل، یک گروه واحد و بزرگ تشکیل می دهند که رنگی همدلانه به محله و شهر می بخشد.

مجالس زنانه که میدان عمل گرایی زنان در حوزه اجتماعی بوده است قدمتی چند صدساله دارد. تاریخ اجتماعی زنان می گوید: در اعصار گذشته به ویژه عصر قاجاریه که توده زنان از حضور فعال در اجتماع منع شده اند و جایگاه فرهنگی زنان به اندرونی های منازل محدود بوده است. برگزاری مراسم آیینی به ویژه در محرم و صفر میدان مشترک و دلخواه برای گرد هم آمدن زنان بوده است، نوعی فعالیت اجتماعی که در آن زنان می توانستند با تأیید جامعه در زمان های مشخصی برای برپایی روضه خوانی، دوره های قرائت قرآن یا نذری پزان، یک گروه اجتماعی وسیع زنانه را شکل دهند که در آن ضمن برپایی مناسک، فرصت تعامل با دیگران و همدلی و همدردی فردی و اجتماعی را نیز تجربه می کردند. به عبارتی، مجالس زنانه در طول تاریخ اجتماعی زنان، بستر اجتماعی شدن زنان را فراهم می کرده اند.

آموزش تاب آوری در زنان در مجالس زنانه

مجالس مذهبی به ویژه در دهه های محرم و صفر، پل ارتباطی زنان با یکدیگر خارج از گروه های خانوادگی و فامیلی بوده است و همچنان این گونه است. زنان با توسل به دین و خدا باوری با برپایی مجالس آیینی، در پی کسب آرامش از طریق توسل و توکل بوده اند، فرصتی که از طریق مشارکت در آن توانسته اند به سایر جنبه های اجتماعی

زندگی خود نیز شکل ببخشند. انسجام گروهی خود را حفظ کنند و پایگاهی مستحکم و ثابت برای مشارکت در جامعه داشته باشند. تاریخ فرهنگی برپایی آیین های فرهنگی و مذهبی در جامعه زنان مؤید این امر است که برپایی مراسم نذری پزان، قرآن خوانی های دوره ای و روضه خوانی های زنانه به واسطه اینکه تأیید اجتماعی را به همراه داشته زیرا محافل دینی از منظر جامعه مکانی امن برای حضور زنان در دوره های مختلف تاریخی بوده، سبب شده است زنان بتوانند گروه های حمایتگر را تشکیل دهند و ضمن پرداختن به امور مذهبی و ارزشی خود، مهارت های زندگی را نیز به یکدیگر آموزش دهند. مهارت هایی نظیر تاب آوری در برابر بحران های خانوادگی و اجتماعی، کشف معنا های تازه برای زندگی، دریافت حمایت دیگران و تقویت ارزش هایی که متناسب با دوره زندگی شان بوده است، چه ارزش های مذهبی و چه ارزش های اجتماعی. در واقع، در گذار زمان، برگزاری آیین های مذهبی برای زنان به امری فراتر از تشکیل گروه برای طبع نذری یا برگزاری سطحی روضه خوانی تبدیل شده است. زنان با برپایی مراسم مذهبی، به محله، شهر و محیط پیرامون خود جلوه و شمایل متفاوتی بخشیده اند. از سوی دیگر، در انتقال فرهنگ نیز نقش حائز اهمیتی داشته اند. انتقال ارزش های فرهنگی و تربیتی از نسلی به نسل دیگر به طور عمده از طریق زنان و به واسطه مشارکت در گردهمایی های آیینی بوده است. شما نیز اگر تجربه های گذشته یا حتی امروز خود را مرور کنید، به احتمال بسیار زیاد چنین تجربه ای را در خانواده خود داشته اید. از شور و اشتیاق ادای نذر به واسطه دست یافتن به خواسته قلبی تان گرفته تا مشارکت در مراسم ختم قرآن و ادعیه دینی. در این مشارکت ها نوعی پیوند اجتماعی رخ می دهد که سبب می شود زنان این تشکلهای مکان مناسبی برای حضور بیابند، آرامشی که در میان تلاطم دوران تجربه می کنند و هم دردانی که در سوگواری می یابند.

مراسم آیینی برای زنان آرامش بخش اند

مراسم آیینی برای زنان به عنصری الهی اجتماعی تبدیل شده است. کارکرد دوسویه این تشکلهای سبب پایداری آنان در طول زمان شده است. از یک سو، زنان با متوسل شدن به ایزد منان ارتباط ذهنی خود با خالق را به عنوان منبع آرامش و نجات دهندگی حفظ می کنند. از سوی دیگر، با تبدیل عمل فردی نیایش به عمل جمعی از طریق گروه ها، نیاز اجتماعی مورد توجه بودن در جامعه را برطرف می کنند زیرا انسان موجودی اجتماعی است و برای احساس رضایتمندی و شکوفایی خود نیازمند دریافت احترام و تأیید از سوی جامعه است. اگر شما نیز به چگونگی عملکرد مادران و مادر بزرگ های خود در فرایند زندگی و هویت یابی شان نگاهی گذرا داشته باشید، در مشاهده پذیرترین تجربه به انتقال نذر در بین زنان خانواده خود یا اطرافیان می رسید. مادر بزرگ هایی که برای رسیدن به خواسته ای که داشته اند متوسل شده اند و نذری کرده اند و پس از وفاتشان یکی از فرزندان نذر آنان را ادامه داده و این زنجیره در طول تاریخ فرهنگی جامعه حفظ شده است، از نسلی به نسل دیگر. احتمالاً شما نیز با جمله هایی نظیر «فلانی امام حسینی است» و «فلانی امام رضایی است» آشنا هستید، اصطلاح هایی که نشان دهنده چگونگی هویت فرد مذکور است. این هویت ها در چنین تشکلهایی از درون مراسم آیینی زنان به فرزندان و همسران و سپس همه جامعه سرایت کرده است. چهره آیینی مذهبی شهر که بخش بسیار مهمی از فرهنگ جامعه ما شده است، استمرارش را مدیون مشارکت فعالانه زنان در این حوزه است.



دکتر مهتاب علی نژاد

جامعه شناس

هنگامه

شهربانو

شنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۰
۲۷ صفر ۱۴۴۳ شماره ۳۹۶

(۳)



شهربانو

۲۷ شهریور ۱۴۰۰
شماره ۳۴۶

(۴)

روایتی از نوعی نذر
در مناطق کم برخوردار مشهد
که به نیت امام هشتم^(ع) انجام می شود

نذر آموزش در حاشیه شهر



سعیده آل ابراهیم

قصه از یک نذر شروع می شود، نذری فرهنگی که نوک پیکان آن حاشیه شهر مشهد را نشانه می رود، همان جایی که مشکلات مختلف در کوچه پس کوچه های آن جولان می دهد و شرایط، افراد را به سمتی پیش می برد که شاید دیگر آموزش، اولویتشان نباشد. به زعم داوطلبانی که این قصه را به پیش می برند، گروه هدف آن ها مردمان با معرفت و مشتاق علم و دانش هستند، اما هم اکنون محل زندگی شان دسترسی کافی به مکان هایی که می تواند افزایش آگاهی شان را در پی داشته باشد، ندارد. زیربنای این نذر این بود که نزدیک دوره امتحانات، ۲ چله یعنی ۴۰ روز برای تدریس و آموزش دروس مختلف از عربی گرفته تا تاریخ، ادبیات و... برمی داشتند و به صورت رایگان برای بچه ها انجام می دادند تا از هم دوره ای های خود عقب نمانند.

آموزش، سعی می کنیم زیست مؤنانه را میان نسل جدید ترویج کنیم. در حاشیه شهر با بسیج و مساجد هماهنگ می کنیم یا گاهی کلاس ها را در خانه خواهران شهدا دایر می کنیم.»

➤ جهاد برای آموزش

این گروه با توجه به اینکه با بچه هایی سر و کار دارند که خانواده هایشان از نظر مالی بضاعت چندانی ندارند، از کلاس های کمک آموزشی حتی در درس تحصیلی شان نیز بی بهره می مانند و حتی اگر بتوانند هزینه این کلاس ها را پرداخت کنند، برای رفت و آمد به مرکز شهر دچار مشکل می شوند. این همان چیزی است که به صورت مستقیم می تواند در انتخاب رشته و بر نهایت شغل آینده شان اثرگذار باشد. «گروه هدف ما از مقطع اول دبستان هستند تا افراد جوان و حتی سن و سال دار که در کلاس ها شرکت می کنند. ضمن اینکه وقتی آن ها از مطالب کلاس استفاده می کنند، به دیگران هم معرفی می کنند و حتی موردی داشتیم و به قدری کلاس شلوغ شده بود که کمبود فضا داشتیم.»

➤ **استادان آموزش را با معیارهای گوناگون می سنجیم**
می شود گفت که بیشترین بخش جامعه پذیری کودکان و نوجوانان در حوزه آموزش شکل می گیرد. بنابراین مهم است که کودک یا نوجوان با چه کسانی در ارتباط است و چه مطالبی را می آموزد. حسین زاده معتقد است که به همین دلیل، آن ها حتی مربیانی که می خواهند به بچه ها آموزش دهند را با معیارهای خاصی می سنجند تا از این بابت مطمئن شوند. «استادانی که انتخاب می کنیم، غریبه نیستند و با آن ها آشنایی داریم.

➤ **خانواده ها در مناطقی که دسترسی کمتری به مرکز شهر دارند، شروع می کند و چندین سال این کار را تک نفره انجام می دهد تا به کمک کانون خواهران شهدا می تواند به صورت متمرکز و گسترده تر به این کار بپردازد.** پری سیما حسین زاده، سرخط کمیته آموزش این گروه را به دست می گیرد. او خواهر شهید مدافع حرم، حمید حسین زاده، است. اهل افغانستان هستند، اما در مشهد به دنیا می آیند و بزرگ می شوند. برادرش به سوئد مهاجرت می کند و زندگی اش به خوبی می گذرد، اما باور و ایمانی که داشت او را به سوریه کشاند تا مهر شهادت را نصیبش کند.

➤ **می خواهیم زیست مؤنانه را ترویج دهیم**
خواهر شهید حسین زاده حتی پیش از اینکه برادرش به شهادت برسد کارهای فرهنگی و جهادی زیادی انجام می داد اما از سال ۹۸ عضو کمیته آموزش به کودکان در مناطق کم برخوردار مشهد می شود و ویژگی ای که او را در این حوزه خاص می کند، نظامی است که در هماهنگی کلاس، مربیان و دانش آموزان ایجاد می کند. «کلاس های متنوعی را به درخواست بچه ها و افرادی که داوطلب آموزش هستند، در حوزه روایتگری، جنگ شناسی، سیره شهدا، جغرافیای جنگ و... برگزار می کنیم. در واقع، در راستای

➤ مشهدی ها، یک ویژگی امام هشتم را نشر بدهند

از همان ابتدای شروع انقلاب تا کنون، کارهای جهادی برایمان آشناست، اما شاید در سال های اخیر، اهمیت کارهای داوطلبانه و بدون منت را بیش از قبل درک می کنیم و می دانیم که به همت افراد جهادگر در حوزه های مختلف، برخی خلأها و مشکلات مرتفع می شود. جهادگران در واقع به جای اینکه چشم امیدشان به نهادهای رسمی باشد، خود دست به کار می شوند و هر چه در توان دارند در میدان عمل نشان می دهند. از ابتدای این نذر، چند مرتبه پیش می آید که شهادت امام رضا^(ع) در ابتدا، اواسط یا انتهای چله قرار می گیرد و این موضوع سبب می شود به این فکر بیفتند که به عنوان یک مشهدی و همسایه امام هشتم^(ع)، به نوبه خودشان یکی از ویژگی های امام مهربانی ها را ترویج دهند و چله عاشقی را در تمام روزهای سال گسترش بدهند. با مطالعه و تحقیق، به این نتیجه می رسند که امام رضا^(ع) به «عالم آل محمد» معروف است و این یعنی اهمیت علم آموزی و نشر احادیث در شخصیت امام هشتم^(ع) پررنگ بوده است. بنابراین این گروه نیز برای انتقال اطلاعات و آموزش تلاش می کنند. نجمه رستمی یکی از خبرنگاران مشهدی است که برای اولین بار این نذر را می کند و از سال اول دانشگاهش، تدریس رایگان خود را برای



هم اکنون یک روز در هفته به صورت ثابت کلاس‌ها را با ۳ مربی تشکیل می‌دهیم و به صورت چرخشی در سایر روزها نیز کلاس‌ها را پیش می‌بریم. پیش از این در منطقه طبرسی کلاس‌ها را برگزار کردیم و حالا آن منطقه فعال شده است و یک خواهر شهید هماهنگی‌ها را انجام می‌دهد و از دور در ارتباط هستیم. اکنون در منطقه سیدی فعالیت می‌کنیم. ضمن اینکه به صورت مقطعی در محلات دیگر نیز آموزش داشته‌ایم.»

حسین‌زاده مادر ۲ فرزند است و برآیند کار خود و بانوان داوطلب دیگر در این حوزه را حرکتی مادرانه در سطح جامعه می‌داند. «در کنار آموزش، در جریان مشکلات مالی خانواده‌ها نیز قرار می‌گیریم و تاجایی که از دستمان بریاید، آن‌ها را رفع می‌کنیم. به علاوه، به نوعی استعدادیابی بچه‌ها را نیز انجام می‌دهیم. برایشان وقت می‌گذاریم. حتی با خانواده‌هایشان صحبت می‌کنیم. حالا بسیاری از این بچه‌ها به موفقیت‌هایی رسیده‌اند و ما بیش از خودشان خوشحال می‌شویم زیرا سهمی کوچک در موفقیتشان داریم.»

➤ آموزش به بیش از ۱۰۰ نفر در ۳ سال

از سال ۹۸ تا کنون، آن‌ها به بیش از ۱۰۰ نفر آموزش داده‌اند. البته در این میان ارتباطشان را با کودکان و نوجوانان مستعد قطع نمی‌کنند و حاصل کارشان را در قبولی این بچه‌ها در دانشگاه یا موفقیت در المپیاد می‌بینند. «برای بعضی بچه‌ها به دلیل اوضاع مالی خانواده‌شان، شرایط خوب نبود و به آن‌ها در زمینه مالی نیز کمک می‌کردیم. بچه‌ها با ما ارتباط عاطفی نیز دارند. حتی بعد از اتمام کلاس‌ها از طریق فضای مجازی با ما در ارتباط‌اند و درباره زندگی شخصی‌شان با ما درد دل می‌کنند.»

➤ تأمین تجهیزیه و تهیه سیسمونی در کنار آموزش

ارتباط میان استادان و بچه‌ها گاهی به قدری زیاد است که حتی روز مادر به استادانشان تبریک می‌گویند یا روز تولدشان را به خاطر می‌سپارند. «ارتباط مادرانه‌ای با بچه‌ها برقرار می‌کنیم و زمانی که اتفاق خوبی برایشان می‌افتد، مانند بچه‌های خودمان برایشان خوشحال می‌شویم. گاهی واسطه ازدواجشان می‌شویم و حتی در تأمین تجهیزیه و سیسمونی این افراد کمک می‌کنیم. حس خوب این کار و برکتش را در زندگی مان می‌بینیم.»

حسین‌زاده معتقد است آموزش به بچه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است، اما آموزش موضوعات مذهبی حساسیت و اهمیت بیشتری دارد و در رویارویی با مخاطب امروزی باید طوری برخورد شود که آموزش نتیجه خوبی داشته باشد. «ما نگاهی آمرانه به موضوعات و مخاطبی که با او در ارتباط هستیم نداریم. سعی می‌کنیم رفتار خودمان برای بچه‌ها آموزش باشد. تاکنون نیز بازخوردهای مثبتی از خانواده‌ها و بچه‌ها گرفته‌ایم. دختران جوان یا حتی کوچکی بوده‌اند که به بهانه شرکت در مراسم یا کلاس‌ها و در برخورد با مربیان، به چادر روی آورده‌اند.»

آن‌ها از این کار داوطلبانه به عنوان یک مدرسه مذهبی یاد می‌کنند. ابتدا یک چله عاشقی بود و آموزش برای بچه‌ها انجام می‌گرفت، اما به مرور این کار به همه روزهای سال تعمیم داده می‌شود. «از همان ابتدا می‌خواستیم آموزشمان بازدهی داشته باشد. به همین دلیل، به درخواست مخاطبان، در حوزه‌های مختلفی که می‌خواهند کلاس برگزار می‌کنیم. می‌خواهیم به قدر توان در زمینه‌های آموزشی و فرهنگی کار کنیم.»

➤ نوجوانان ذهنی روشن و پر از پرسش دارند

برخلاف آنچه شاید بعضی‌ها از نوجوانان نسل‌های جدید تصور می‌کنند که آن‌ها خیلی پاییند به اصول و عقاید نیستند، حسین‌زاده و همکارانش باور دیگری دارند. «بچه‌های ۱۲ سال به بالا که در کلاس‌های ما شرکت می‌کنند به شدت فهمیده هستند و ذهنی روشن، آماده جذب و پر از سؤال درباره اتفاقاتی که در تاریخ کشورشان رقم خورده است و نتایجش به آن‌ها برمی‌گردد دارند. حتی نوجوانانی که در کلاس‌ها شرکت می‌کنند، از ما می‌خواهند که در مراسم مذهبی‌ای که برگزار می‌کنیم حضور داشته باشند و حتی مسئولیتی را برعهده بگیرند. ضمن اینکه در پایان هر کلاس عهد خواهرانه داریم و به بچه‌ها چند شهید را معرفی می‌کنیم تا بعد از خواندن زندگی‌نامه آن‌ها، یکی از شهدا را به عنوان برادر معنوی خود انتخاب کنند و اگر مایل باشند، برایشان زمینه دیدار با خانواده شهید را نیز فراهم می‌کنیم.»

حسین‌زاده معتقد است بیشترین کلاس‌هایی که از آن‌ها استقبال می‌شود مربوط به رسانه و روایتگری است. در حوزه رسانه درباره ضرورت رسانه، مخاطب‌شناسی و نحوه اثرگذاری آن بر افراد صحبت می‌شود. «امروزه با دنیای دیجیتال روبه‌رو هستیم و برای مقابله در جنگ فرهنگی، اگر سلاح دستان نباشد یا سلاح کند باشد، باخت‌ایم. ما به عنوان پدران و مادرانی که در بحبوحه جریانات جنگ بوده‌اند، مسائل بسیاری را شناخته‌ایم. باید چنین مطالبی را به بچه‌هایمان منتقل کنیم زیرا آن‌ها خواه‌ناخواه از رسانه اثر می‌پذیرند و باید در این زمینه ذهنشان آگاه باشد.»

او بر این باور است که امروزه جنگ نامرئی است و سرباز و سلاح در آن مشخص نیست. بنابراین باید بچه‌هایمان را با روحیه‌ای قوی وارد این عرصه کنیم. «گاهی ممکن است کودکان ما از طریق رسانه، ویژگی‌های منفی مانند دروغ یا تجملات را یاد بگیرند، بدون اینکه حتی به این موضوع فکر کنند.»

➤ آموزش را معطل فضا نگه نداشتیم

این گروه از سوی سازمان یا نهادی حمایت نمی‌شوند و به صورت خودجوش و جهادی کار را پیش می‌برند. «تا پیش از این جای ثابتی برای آموزش نداشتیم. کارها را معطل فضا نگه نداشتیم و در خانه خواهران شهدا یا اعضای محله و حتی پارک هم شده کلاس‌ها را برگزار می‌کردیم، اما از این به بعد می‌خواهیم با مساجد همکاری کنیم.» برخی افراد بعد از آشنایی با این گروه، مشتاق به انجام کار جهادی می‌شوند و اگر در درسی مهارت دارند، اعلام آمادگی می‌کنند تا آن‌ها نیز رایگان به بچه‌ها تدریس کنند. «ما در محلات مختلفی که می‌رویم، همسایه‌ها یکدیگر را خبر می‌کنند و اینکه بعضی‌هایشان می‌خواهند در کلاس‌ها سهمی داشته باشند، به نوعی نذر محسوب می‌شود.»

➤ پویشی برای نذر آموزش

نکته جالب این کلاس‌ها این است که مطالب و نحوه آموزش مدام به‌روز می‌شود. برای نمونه، ابتدا کلاس‌ها به صورت گفت‌وگومحور بود و اکنون نوجوانان هم در کلاس تعامل دارند. گاهی باید در کلاس استاد شوند و ایرادهای سایر اعضا را به آن‌ها گوشزد کنند. آن‌ها برای گسترش کار نیز برنامه دارند و در حال راه‌اندازی یک پویش هستند تا بتوانند افراد بیشتری را که تمایل دارند در نذر آموزش شرکت کنند جذب کنند و از این طریق سطح محلات بیشتری را پوشش بدهند. «سعی می‌کنیم بعد از راه‌اندازی پویش، یک واسطه میان استادان و بچه‌ها باشیم تا کار وسعت پیدا کند. محلات بعدی‌ای که برای آموزش در نظر گرفته‌ایم توس و قاسم‌آباد است.»



شهربانو

۲۷ شهریور ۱۴۴۳ شماره ۳۳۹

(۵)



شهر بانو

۲شنبه
۱۲مهر ۱۴۰۰
۲۷صفر ۱۴۴۳ شماره ۳۴۶

(۶)

طعم شیرین وقف

گفت‌وگو با بانو فرشته فرشیدی
واقف ۲ مدرسه در ناحیه ۴ مشهد



عکس: مهدیه غفوریان

همواره وقف یکی از سنت‌های اسلامی ما بوده است که جزو برترین ثواب‌ها و فضیلت‌ها در فقه اسلامی محسوب می‌شود. به همین دلیل، وقف به شکل‌های گوناگون از گذشته‌های دور، در میان بانوان سرزمین ما نیز رایج بوده است. بانوان مشهدی نیز در این امر شریک بوده‌اند. شاید یکی از مهم‌ترین این موقوفات، مسجد گوهرشاد در ضلع جنوبی حرم مطهر امام رضا (ع) باشد که به دستور بانو گوهرشادآغا، همسر یکی از پادشاهان تیموری، ساخته شده است و از نفیس‌ترین شاهکارهای معماری ایران در دوره تیموری به شمار می‌رود. هنوز هم این شعله خاموش نشده است و بانوان نسل‌های مختلف هرکدام به طریقی نقشی در فرهنگ وقف به یادگار گذاشته‌اند. فرشته فرشیدی یکی از این بانوان است که ۲ مدرسه غیردولتی را در مشهد از ابتدا تا انتهای آن می‌سازد، تجهیز می‌کند و در نهایت آن‌ها را وقف عام می‌کند و سعی می‌کند طعم وقف را به کسانی که گذرشان به این مدرسه می‌افتد و شرایط مالی خوبی هم ندارند بچشانند. «دبیرستان ثامن نور توس» در چهارطبقه ساخته و تجهیز شده است. کلاس‌های بزرگ و مجهزی دارد. دوربین روی رایانه در همه کلاس‌ها، از کلاس‌های مجازی دوره کرونا خبر می‌دهد. فهرست اسامی افتخارآفرینان و نخبگان علمی و پژوهشی مدرسه را چاپ کرده و به دیوار زده‌اند تا هر بار با دیدن این اسامی، نفسی تازه کنند که کارشان را درست انجام داده‌اند.

➤ **هر ۳ خواهر معلم شدیم**

پدر فرشیدی در نیروی انتظامی مشغول به کار بود و تا مقطع دیپلم درس خوانده بود، اما به زبان فرانسه مسلط بود. به یاد دارد که پدر به زبان فرانسه برایشان قصه می‌گفت. مادرش نیز خانه‌دار بود، اما هر دو به تحصیل فرزندانشان اهمیت می‌دادند. «به یاد دارم در آن زمان، عمه‌ام معلم بود و به طور کلی، خانواده فرهنگ‌دوستی داشتیم. ما هم ۵ خواهر و برادر بودیم که هر ۳ خواهر معلم شده ایم.»

➤ **تأسیس مدرسه غیرانتفاعی در دهه ۷۰**

او در سال ۱۳۴۸ با مدرک کاردانی در رشته زبان انگلیسی، معلم می‌شود، شغلی که خیلی به آن علاقه‌مند بود و هست. بر این باور است که اگر از نو متولد می‌شد، باز هم این شغل را انتخاب می‌کرد. یک سال در روستاهای محروم اطراف مشهد مانند جیم‌آباد فعالیت می‌کند. فرشیدی همین شغل را ادامه می‌دهد تا اینکه بعد از بازنشستگی و با تصویب مجلس، به فکر تأسیس مدرسه غیرانتفاعی می‌افتد. «اوایل بیشتر فرهنگیان بازنشسته به سراغ تأسیس مدرسه می‌رفتند. من نیز جزو اولین گروه‌های فرهنگی بودم که مدرسه غیرانتفاعی راه‌انداختم زیرا از یک طرف بازنشسته شده بودم و نمی‌خواستم در خانه بنشینم و از طرف دیگر دوست داشتم خدمتی ارائه بدهم. سال ۷۴ یک مدرسه غیرانتفاعی در سجاد تأسیس کردم. چند سالی راهم در مدارس استیجاری گذراندیم که مشکلات زیادی داشتیم و کلاس‌ها استاندارد نبود. ضمن اینکه سال‌های اول چندان هم استقبال نمی‌شد زیرا این مدارس جدید بودند.»

بیشترین مدارس در ناحیه ۴ مشهد قرار می‌گیرد، یعنی درست همان جایی که او ۲ مدرسه را وقف عام کرده است. معتقد است که تعداد افرادی که حاضرند مدرسه‌هایی را که تأسیس می‌کنند بسازند انگشت‌شمار است به این دلیل که نمی‌خواهند زیر بار هزینه آن بروند. «اولین مدرسه‌ای که وقف کردم ثامن نور توس در تاریخ ۸۸/۸/۸ بود در مقطع دوره دوم دبیرستان. متراژ آن ۵۷۰ متر است و زمین آن را از آستان قدس رضوی به مبلغ ۴۵۰ میلیون تومان خریداری کردیم. تنها مزیتی که در این حوزه داشتیم این بود که مبلغ را در چند مرحله پرداختیم. این مدرسه در دوران کرونا ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر دانش‌آموز داشته است.»

➤ **از صفر تا صد ساخت و تجهیز مدارس برعهده خودم بود**

خرید زمین مدرسه دومی که آن را ۳ سال پیش وقف کرده یک میلیارد تومان هزینه برداشته است، اما در ۵ طبقه و مجهزتر از مدرسه اول ساخته شده است که در آن حدود ۳۰۰ دانش‌آموز در مقطع دبستان و دوره اول دبیرستان درس می‌خوانند. «برای اینکه این زمین را بخرم و مدرسه وقفی بسازم، یک خانه پانصد و شصت متری

را فروختم. ضمن اینکه صفر تا صد تجهیز این مدارس نیز با هزینه خودم و وام‌هایی که گرفتم بوده است.» او معتقد است امروزه اعتلای فرهنگ یکی از مسائل مهم جامعه است و شاید در جامعه‌مان آن قدر که گرسنگی فرهنگی داریم، گرسنگی جسمی نداشته باشیم. به همین دلیل، تربیت انسان خیلی مهم است. «مدارس غیرانتفاعی سود داشته‌اند و هنوز هم دارند. به همین دلیل، اساسنامه‌ای از سوی آموزش و پرورش ارائه داده شد که باید سود این مدارس صرف توسعه آن‌ها شود. مادر این مدرسه طبق اساسنامه‌ای که آموزش و پرورش داده است، شهریه دریافت می‌کنیم، اما همیشه سعی کرده‌ام به نوعی وقف را در مدرسه زنده نگه دارم. به همین دلیل هر سال ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان تخفیف برای ثبت‌نام دانش‌آموزان داریم که به صورت ۲۰، ۵۰ و ۱۰۰ درصد تخفیف صورت می‌گیرد.»

فرشیدی کارمندان، معلمان و حتی گاهی دانش‌آموزانی که در ۲ مدرسه وقفی آن‌ها تحصیل کرده‌اند گروه مجازی دارند و در روزهای مختلف سال و در همه مناسبت‌ها با صرف هزینه، کار خیری انجام می‌دهند. «در مدت همه‌گیری کرونا، به خیریه‌ها کمک کردیم. برای بچه‌های روستا که به دلیل نبود امکانات نمی‌توانستند در کلاس‌های مجازی شرکت کنند، تلفن همراه خریدیم. گاهی نیز ارزاقی را بسته‌بندی می‌کنیم و به دست خانواده‌های بی‌بضاعت می‌رسانیم.»

➤ **وقف بدون حمایت خانواده ممکن نبود**

او معتقد است تأسیس ۲ مدرسه یا همان وقف و انجام کارهای فرهنگی در سال‌های متوالی، بدون حمایت خانواده‌اش امکان‌پذیر نبوده است. او در همه این سال‌ها سعی کرده است که تمام وظایف معلمی، همسر داری و مادری را بی‌کم و کاست انجام دهد. «همسر فوت شده است، اما ۵۰ سال زندگی مشترک داشتیم. همسرم فرهنگی بود، اما برخلاف من که خیلی اهل فعالیت بودم، شخصیتی آرام داشت. به همین دلیل هر زمانی که دچار چالشی می‌شدم، کمک می‌کرد. سال‌های اولی که مدرسه تأسیس کرده بودم، گاهی تا ساعت ۲ با مادام مشغول تجهیز مدرسه بودیم و همسرم همیشه من را پشتیبانی می‌کرد. همیشه سعی می‌کردم کارهایم را طوری برنامه‌ریزی کنم که به همه فعالیت‌هایم برسم. سال‌ها بود که من ۲ شیفت مدیر مدرسه بودم، اما صبح که از خانه بیرون می‌رفتم، خانه مرتب و غذا حاضر بود.» شاید خیلی‌هایمان از زنان واقف مشهدی یا حتی در سایر شهرهای کشور بی‌خبر باشیم و به نظر می‌رسد آن‌طور که باید و شاید، جایگاه این زنان دیده نشده است، اما به گفته فرشیدی که نمونه‌ای از این زنان است، آن‌ها با خدا معامله کرده‌اند و چیز دیگری برایشان اهمیت ندارد. «اگر می‌خواستم به فکر دیده شدن باشم، نباید این وقف را انجام می‌دادم. به هر حال هر کسی از انجام کاری لذت می‌برد. من هم این لذت را در وقف می‌بینم.»

زنان مسلمان

چرا حجاب را سبب توانمندی می‌دانند



ریحانه صادقی
مترجم

وبسایت The Conversation متشکل از شبکه‌ای از مجراهای رسانه‌ای غیرانتفاعی و ناسودبر است که متن‌های خبری نوشته‌شده توسط متخصصان و محققان آکادمیک را روی اینترنت منتشر می‌کند. این وبسایت نخست در سال ۲۰۱۱ در استرالیا آغاز به کار کرد و پس از آن نسخه‌های بریتانیایی، آمریکایی، آفریقایی، فرانسوی و غیره آن نیز از سال ۲۰۱۳ به بعد راه‌اندازی شدند.

این وبسایت در شهریور امسال (اوت ۲۰۲۱) مقاله‌ای با عنوان «چرا برخی زنان مسلمان پوشیدن حجاب را موجب توانمندسازی خود می‌دانند؟» منتشر کرد که نگاهی داشت به دلایل تاریخی و اجتماعی اهمیت یافتن حجاب، فراتر از یک وظیفه صرف دینی، برای زنان مسلمان. در توضیح ابتدای این مقاله، خطاب به کسانی که دلشان می‌خواهد درباره اسلام بیشتر بدانند، آمده است که The Conversation انتشار یک مجموعه مقاله نوشته‌شده توسط ویراستار ارشد حوزه ادیان و اخلاقیات این وبسایت، کالپانا جین، را ترتیب داده است. ما در اینجا، متن کامل مقاله یادشده را به فارسی برگردان کرده‌ایم که به قرار زیر است:

گروهی از مردم آمریکا باور دارند که رویکرد دین اسلام به زنان سرکوب‌گرانه است. در غرب، به‌ویژه در فرانسه، حجاب سر که بسیاری از زنان مسلمان به آن پایبند هستند به نمادی از این سرکوبگری بدل شده است.

این مقاله سعی دارد به برخی از مسائل پیچیده‌ای که در تصمیم زنان مسلمان برای پوشیدن حجاب دخیل هستند، از جمله اینکه چرا برخی زنان حجاب را نشانی از توانمندسازی زن در اسلام می‌دانند، بپردازد.

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه درو، Caitlin Killian، توضیح می‌دهد که زنان یهودی، مسیحی و هندو از دوران پیشااسلام از پوشش سر استفاده می‌کرده‌اند.

در عصر حاضر، حجاب برای برخی زنان مسلمان تنها یک کنش مذهبی است، راهی برای نشان دادن بندگی و تابعیتشان در برابر خدا. در قرآن، مردان و زنان، هر دو به رعایت عفت و سادگی در پوشش و منش دعوت شده‌اند. با این حال، پوشش و لباس زنان مسلمان تنها حاصل پیروی و پایبندی به اصول دینی شان نیست. این لباس در گذشته (و اکنون) نشان دهنده هویت این زنان نیز بوده است.

در دوران استعمار، زنان مسلمان به هر چه شبیه‌تر شدن به زنان اروپایی و برداشتن نقاب و روبنده‌شان تشویق می‌شدند. کیلیان می‌گوید با افزایش مطالبه‌گری مسلمانان برای استقلال از قوانین و حکومت استعماری، نقاب و روبنده به «نماد هویت ملی و مقابله با غرب» تبدیل شدند.

امروزه، برخی زنان مسلمان در آمریکا، حجاب را ابزاری برای تأکید بر غرور و سرافرازی خود در برابر اسلام‌هراسی می‌بینند. روز اول ماه فوریه نیز از سال ۲۰۱۳، در نتیجه تلاش یکی از همین زنان به عنوان روز جهانی حجاب نام‌گذاری شده است و گرامی داشته می‌شود. نظمه خان مهاجری بنگلادشی بود که پس از ورود به ایالات متحده آمریکا، به دلیل داشتن حجاب، تحقیر و تمسخر می‌شد. همین امر سبب شد تصمیم بگیرد ترتیبی دهد که در یک روز مشخص، زنان مسلمان و غیرمسلمان بتوانند در کنار هم پوشیدن حجاب را تجربه کنند.

با این همه، هنوز هم در نظر بخش اعظم جهان غرب، حجاب سر مظهر سرکوب زنان مسلمان است. در ماه مارس سال جاری در کشور سوئیس، قانون ممنوعیت پوشش صورت از سوی رأی‌دهندگان به تصویب رسید و در فرانسه، تلاش برای اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه محدودسازی حجاب هنوز ادامه دارد.

دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در نشست ۱۴ مارس سال ۲۰۱۷ انجام شد، به شرکت‌های خصوصی فرانسه این اجازه را داد که به نام مقابله با «جهت‌گیری» و تأکید بر «بی‌طرفی»، کارکنانشان را از پوشیدن هر گونه «نماد مذهبی، سیاسی و فلسفی» منع کنند.

دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه ماساچوست، دکتر Z. Fareen Parvez، می‌گوید تصویب قانون ضد پوشش سر نقطه عطفی در زندگی زنان مسلمانی بود که مطالبه‌شان پذیرفته شدن در جامعه فرانسه و ادغام شدن در آن به عنوان یک شهروند بود. پوشش سر برای بسیاری از این زنان نه فقط یک نماد مذهبی، بلکه شیوه «بودن» آن‌هاست.

اما این تمرکز بر پوشش و لباس زنان مسلمان، سایر مسائل و تلاش‌های جنبش‌های طرفدار حقوق زنان برای ایجاد تغییر را به حاشیه برده است. برای مثال، در اندونزی، زنان مسلمانی که به عنوان پژوهشگران مذهبی فعالیت می‌کنند در تلاش برای ارائه درکی تازه از اسلام هستند.

به گفته Rachel Rinaldo، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کلرادو بولدر، در ۳ دهه گذشته در اندونزی شاهد ظهور نسل تازه‌ای از دانشمندان زن مسلمان هستیم که روح تازه‌ای به حوزه تفسیر قرآن دمیده و به ارتقای احساس توانمندی در زنان مسلمان کمک کرده‌اند. رینالدو می‌گوید سخنان این دانشمندان زن در مقایسه با فعالان حقوق زنان با استقبال و پذیرش بیشتری روبه‌روست، زیرا این زنان پژوهشگران تحصیل کرده مذهبی هستند. نکته درخور توجه این است که اسلام نیز مانند همه کیش‌ها و مذاهب، دینی چندوجهی و پیچیده است. زنان مسلمان هم در تلاش‌اند خود را بر گزینه‌ها و نظریات دیگران چگونه ظاهر شوند و صدای خود را چگونه به گوش جهانیان برسانند.

<https://theconversation.com/why-some-muslim-women-feel-hijab-a-headscarf>
The Conversation – Australia Edition ۱۵۵۱۱۰-wearing-hijab-a-headscarf

شهربانو

۲۷ شهریور ۱۴۰۰
شماره ۲۷

(۷)

حمیده وحیدی
روزنامه‌نگار

پروین



چه غمی هست که پیش تو به پایان نرسد

راضیه رجایی متولد سال ۱۳۵۷ در مشهد است. او در رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کرده و از سال‌ها پیش به سرایش شعر پرداخته است. او از بانوان شاعری است که در عرصه شعر مقاومت و دفاع مقدس فعالیت خوبی دارند. هم‌چنین گردآورنده کتاب‌های شعر «آیات بیداری»، «حدیث سرو» و «روایت عمار» است. «گزیده ادبیات معاصر شماره ۱۱۷» و «آسمان ابری دی» کتاب‌های او هستند.

شده دستان دعای تو به باران نرسد
یا بتابی به تن پنجره‌ای جان نرسد
می‌شود گوشه چشم تو بیفتد به زمین
این شب تیره به خورشید درخشان نرسد
عطر گیسوی تو در شهر پیچد روزی
دل لرزان نشابور به سامان نرسد
آمدم پیش تو با این همه اندوه ولی
چه غمی هست که پیش تو به پایان نرسد
وای اگر لطف تو را هم ندهد وای اگر
دست مهر تو به آهوی پریشان نرسد
وای ای وای به کوتاهی آن بخت سیاه
که به پیشانی او خاک خراسان نرسد
**

چه کند بی تو دل خسته پریشانی را
کاش صبحی برسد این شب طولانی را
تویی آن چشمه جوشنده خورشید که ما
مهر کردیم به مهرت همه پیشانی را
ابره‌های کرم از چشم تو آموخته‌اند
که چنین ریخته بر خاک فراوانی را
ریختم بر قدمت هستی خود را بپذیر
که کسی بازنگیرد دل قربانی را
شوق همصحبی با تو مرا هست عزیز
با تو می‌گویم اگر آنچه که می‌دانی را
هیچ کس جز تو به خود راه نداده ست مرا
هیچ کس این من در معرض ویرانی را
من که روشن تر از این صبح گواه آوردم
باز خورشید جهان تاب خراسانی را



راضیه رجایی

زن و مقاومت فاطمی

بانوان علاقه‌مند می‌توانند در قالب کلیپ‌های کوتاه یا پادکست و نوع خدمتی که ارائه می‌دهند، به عضویت در «شبکه جهانی زنان مقاومت» درآیند.

موضوعات این جشنواره عبارت‌اند از: ۱- شناسایی و گفت‌وگو با رزمندگان، ایثارگران، جانبازان و آزادگان ۸ سال دفاع مقدس و مدافع حرم در بین اقوام و بستگان و آشنایان ۲- سخنی با شهدا ۳- شناسایی و معرفی شهیدهای زن ۸ سال دفاع مقدس ۴- نقش بانوان در ترویج فرهنگ مقاومت ۵- اربعین و جهانی شدن گفتمان مقاومت برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت اداره کل تبلیغات اسلامی خراسان رضوی مراجعه کنید.





زهره شوشتری
کارشناس حقوق

پرسش‌های حقوقی بانوان

+ در این ستون به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

+ من قبلاً آموزش‌یار نهضت بودم که با توجه به سختی‌های کار، پس از ۳ سال رها کردم و در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مدت ۱۴ سال است که به صورت قراردادی کار معین تمام وقت مشغولم. الان در جریان تعیین تکلیف نیروهای نهضتی به شرکت در آزمون دعوت شدم که قول قرارداد پیمانی داده‌اند. حالا سؤال این است که آیا ۱۴ سال سابقه کار من به آموزش و پرورش انتقال پیدامی‌کند.

سوابق کاری محفوظ است و باید از ناحیه آموزش و پرورش محاسبه شود و انتقال یابد.

+ آیا می‌شود شاکه‌ای که در حل اختلاف رضایت داده و پیامک ارسال شده است که پرونده بایگانی شده، دوباره دادخواست بررسی پرونده را بدهد؟

رضایت قابل عدول (برگشت) نیست و اگر رضایت قطعی در پرونده ثبت شده باشد (نمی‌توان رضایت را به صورت مشروط ثبت کرد) نمی‌توان از آن عدول کرد.

+ با اینکه پشت بام آپارتمان مشاع و در اختیار همه همسایه‌هاست، کسی که در آخرین طبقه ساکن است مدام تذکر می‌دهد که به دلیل سرو صدا نباید از پشت بام استفاده کنیم. آیا برخورد با این مسئله راهکار قانونی دارد؟

مالکیت پشت بام منازل همچون سایر مشاعات در اختیار عموم ساکنان آپارتمان است و ساکنان طبقه آخر حق تصرف یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از این حق را ندارند و در صورت تصرف پشت بام یا مانع تراشی ورود دیگران به آن معادل جرم کیفری محسوب می‌شود و از ناحیه ساکنان قابل پیگیری است. البته باید توجه داشت استفاده از مشاعات نباید مورد اذیت و آزار ساکنان دیگر واحدهای آپارتمان شود.

+ همکارم در محل کارم با حمله به من نزاع را شروع کرد و از چند ناحیه بنده را مورد جرح قرار داد. آن زمان پزشکی قانونی نرفتم و شکایت نکردم و جای جراحات خوب شد. حالا با توجه به وجود فیلم دوربین مدار بسته، می‌توانم از او شکایت کنم؟

اثبات ضرب و جرح نیازمند شواهد و قرائن و مستندات محکمه پسند است تا قاضی متقاعد شود. از جمله مستندات می‌توان به اقرار ضارب، شهادت شهود،

علم قاضی، سوگند و قسامه اشاره کرد. باید توجه داشت صرف وجود یا نبود نامه پزشکی قانونی را نمی‌توان برای اثبات ضرب و جرح کافی دانست. در فرض سؤال، اگر مستندات دیگری جز نامه پزشکی قانونی موجود باشد، امکان طرح شکایت وجود دارد.

+ من از طریق اداره ثبت اسناد و املاک مهریه‌ام را به اجرا گذاشتم و در حال حاضر همه حساب‌های ایشان مسدود شده است. الان در مرحله رفتن به کلاس‌های مشاوره هستیم. می‌خواستم بدانم اکنون می‌توانم یکی از حساب‌هایی را که مسدود کرده‌ام باز کنم تا برداشت داشته باشیم؟

با توجه به اینکه نسبت به مهریه اجراییه صادر شده که در پی آن توقیف حساب صورت گرفته است، در نتیجه می‌توان از حساب‌های مذکور پول برداشت کرد و این مورد ارتباطی به کلاس‌های مشاوره و ... ندارد.



شهربانو

۲شنبه
۱۲ مهر ۱۴۰۰
۲۷ صفر ۱۴۴۲ شماره ۳۴۱۶

(۸)

شهرزاد

الهام یوسفی
فعال فرهنگی



ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیر مسئول
سید هادی فیاضی
سرپرست:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی

جنگ ایران و عراق نیز پر است از خرده‌روایت‌هایی که راویان آن در کنج عزلت و انزوا بار آن را بر دوش‌های خود حمل می‌کنند. یکی از این سرگذشت‌های مهم زندگی فرنگیس است، زنی از تبار کرد که کتاب «فرنگیس» به احترام مقاومتش نوشته شد، مقاومتی که جزئیات آن بسیار شنیدنی و شجاعانه است، مقاومتی که تنها بخش کوچکی از حضور زنان در جنگ بود.

کتاب «فرنگیس»، روایت دلیری‌های خانم فرنگیس حیدرپور، شیرزن خطه گیلان غرب، به قلم خانم مهناز فتاحی نوشته شده است. نویسنده کتاب در باره نوشتن اثرش می‌گوید: همیشه وقتی تندیس زنی تیره‌دست را کنار پارک شیرین کرمانشاه می‌دیدم، با خودم فکر می‌کردم کاش بتوانم یک روز این زن قهرمان را از نزدیک ببینم و با او حرف بزنم. می‌گفتند فرنگیس در روستایی نزدیک گیلان غرب زندگی می‌کند و مایل نیست خاطراتش را تعریف کند. می‌دانستم نوشتن خاطراتش سخت خواهد بود اما همیشه به نوشتنش فکر می‌کردم. روستا حداقل ۳ ساعت و نیم تا کرمانشاه فاصله داشت و رفت‌وآمد به این روستا برای یک زن نویسنده سختی‌های زیادی داشت. مدت‌ها دیدن فرنگیس آرزویم بود تا اینکه از طریق یکی از دوستان شماره تلفن و آدرسش را پیدا کردم. همراه همان دوست و خانواده‌ام به سمت روستای گورسفید راه افتادیم و ظهر به خانه‌اش رسیدیم. از دیدن فرنگیس احساس غرور کردم. قدبلند و ایستاده قامت، با دست‌هایی بزرگ و قلبی مهربان. خیلی با ابهت تر از تندیسش.

کتاب «فرنگیس» شامل خاطرات این زن مقاوم کرد متولد سال ۱۳۴۱ در روستای اوازین است. او در حمله نظامیان عراقی به روستای محل سکونتش با یک تیر از خود در برابر سربازان ارتش بعث عراق دفاع کرد. اصل داستان هم شنیدنی و عجیب است. سال ۱۳۵۹ پس از حمله عراق به روستای اوازین، مردم به دره‌های اطراف فرار می‌کنند. فرنگیس که در آن زمان ۱۸ سال داشت، شب هنگام همراه برادر و پدرش برای تهیه غذا به روستا بازمی‌گردد اما در طول راه، پدر و برادر فرنگیس ضمن درگیری با عوامل عراقی کشته می‌شوند و فرنگیس در پی برخورد با ۲ سرباز عراقی بدون داشتن سلاح گرم، با تیر پدرش با سربازان درگیر می‌شود. یکی را می‌کشد و دیگری را با همه تجهیزات جنگی اسیر می‌کند و به مقر فرماندهی ارتش ایران تحویل می‌دهد. کتاب فرنگیس را به کسانی که دنبال حقیقت زندگی در زمانه جنگ می‌گردند توصیه می‌کنیم.

زنی با ابهت‌تر از تندیسش

نگاهی کوتاه به کتاب «فرنگیس»

+ در همه جای جهان، گفتن و نوشتن از رویدادهای جنگ از زبان شاهدان عینی در ادبیات و تاریخ جایگاه مهمی دارد. در حقیقت، این نوع متون حفظ کردن بخشی از تاریخ است که اگر عمر روایت‌کنندگان آن تمام شود، همه آن خاطرات هم نابود خواهد شد. اما اگر این داستان‌های حقیقی مکتوب شوند، برای نسل‌های آینده ماندگار و جاویدان می‌شوند. ۸۰ سال



فرنگیس
نویسنده: مهناز فتاحی